موضوع: ادله منکرین وجوب سلام/ سلام/ واجبات نماز

فهرست مطالب:

[ادله منکرین وجوب تسلیم 1](#_Toc181438565)

[روایت پنجم 1](#_Toc181438566)

[استدراک 1](#_Toc181438567)

[بیان اول 1](#_Toc181438568)

[اشکال 1](#_Toc181438569)

[بیان دوم 1](#_Toc181438570)

[بیان سوم 1](#_Toc181438571)

[بررسی شواهد انصراف سلام به سلام اخیر 1](#_Toc181438572)

[شاهد دوم 1](#_Toc181438573)

[شاهد سوم 1](#_Toc181438574)

[بررسی کلام آقای حائری در جمع بین روایات 1](#_Toc181438575)

[بیان اول 1](#_Toc181438576)

[اشکال 1](#_Toc181438577)

[بیان دوم 1](#_Toc181438578)

**بسم الله الرحمن الرحیم**

فصل في التسليم و هو واجب على الأقوى و جزء من الصلاة، فيجب فيه جميع ما يشترط فيها من الاستقبال و ستر العورة و الطهارة و غيرها، و مُخرج منها و محلّل للمنافيات المحرّمة بتكبيرة الإحرام؛ و ليس ركناً ، فتركه عمداً مبطل، لا سهواً؛ فلو سها عنه و تذكّر بعد إتيان شيء من المنافيات عمداً و سهواً أو بعد فوات الموالاة، لا يجب تداركه ؛ نعم، عليه سجدتا السهو للنقصان بتركه؛ و إن تذكّر قبل ذلك أتى به و لا شيء عليه، إلّا إذا تكلّم، فيجب عليه سجدتا السهو. و يجب فيه الجلوس، و كونه مطمئنّاً.[[1]](#footnote-2)

# ادله منکرین وجوب تسلیم

## روایت پنجم

وَ عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي ثُمَّ يَجْلِسُ فَيُحْدِثُ قَبْلَ أَنْ يُسَلِّمَ قَالَ تَمَّتْ صَلَاتُهُ وَ إِنْ كَانَ مَعَ إِمَامٍ فَوَجَدَ فِي بَطْنِهِ أَذًى فَسَلَّمَ فِي نَفْسِهِ وَ قَامَ فَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُ[[2]](#footnote-3).

بیان شد که موثقه زراره با جزئیت سلام سازگار نیستند.

آقای خویی فرمودند: سلام، به «السلام علیکم» انصراف دارد و چون فرض شده است که حدث فقط قبل از «السلام علیکم» بوده، یعنی قبل از آن تشهد با مکملات آن که «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» باشد، گفته شده است. امام ع در این فرض فرمودند نمازش تمام است چون «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» نیز مخرج نماز است.[[3]](#footnote-4)

به نظر ما اینکه گفته شود مراد از «قَبْلَ أَنْ يُسَلِّمَ» این است که «بعد ان یقول السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و قبل ان یقول السلام علیکم» عرفی نیست. بر فرض انصراف سلام در روایات به سلام اخیر صحیح باشد اما این تعبیر منصرف به این نیست که بعد از تشهد و بعد از گفتن «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین»، حدث صادر شده است زیرا گفته قبل از سلام حدث صادر شده و ممکن است که تشهد گفته شده اما «السلام علینا» که مستحب است گفته نشده باشد.

### استدراک

پاسخی که در جلسه گذشته به این روایت مطرح شد این بود که این روایت، خبر ظنی الصدور بوده و مخالف روایاتی است که اجمالا قطعی الصدور هستند در نتیجه خبر شاذ نادر در مقابل خبر مشهور می‌شود. همچنین بیان شد که اخبار «تحلیلها التسلیم» قطعی الجهة نیز بوده و احتمال تقیه در آن ها نیست در نتیجه موثقه زراره مخالف خبر قطعی الصدور و الجهة می‌شود.[[4]](#footnote-5) این مطلب نیاز به اصلاح دارد؛ زیرا نمی‌توان گفت که اخبار «تحلیلها التسلیم» قطعی الجهة هستند چراکه موافق با فتوای مالک، احمد بن حنبل، و شافعی هستند. ممکن است امام ع نظرشان بر عدم وجوب تسلیم بوده و احداث حدث عمدی قبل از تسلیم را نیز جایز می‌دانسته اند اما جو عمومی مدینه و فقهای آن را لحاظ کرده و تقیه فرموده اند. با توجه به این نکته پاسخ کلام آقای حکیم نیز مشخص می‌شود، ایشان فرموده اند: روایات جمع عرفی ندارند اما روایات «تحلیلها التسلیم» مخالف عامه بوده و مرجح دارد.[[5]](#footnote-6)

با این وجود بیان‌های دیگری را می‌توان در اینجا مطرح کرد:

### بیان اول

بیان اول این است که در مقبوله عمر بن حنظله فرموده: «ِ الْمُجْمَعَ عَلَيْهِ عِنْدَ أَصْحَابِكَ فَيُؤْخَذُ بِهِ مِنْ حُكْمِنَا وَ يُتْرَكُ الشَّاذ[[6]](#footnote-7)» اگر مانند آقای خویی گفته شود که مراد از «المجمع علیه بین اصحابک» قطعی الصدور بودن خبر باشد. در اینجا هشت روایتی که مطرح شد اجمالا قطعی الصدور هستند و موثقه زراره شاذ نادر بوده یعنی صدورش قطعی نیست. بنابراین اخبار «تحلیلها التسلیم» مقدم می‌شود.

### اشکال

همانطور که در اصول گفته ایم «المجمع علیه بین اصحابک» صرف قطعی الصدور بودن نیست. چنانکه آقای بروجردی نیز فرموده اند: خبری که قطعی الصدور بوده اما معرض عنه اصحاب باشد، «لا ریب فیه» نیست در نتیجه «المجمع علیه» یعنی «المجمع علی العمل به». و با توجه به این که بین فقها اختلاف بوده و شیخ طوسی[[7]](#footnote-8) و شیخ مفید[[8]](#footnote-9) قائل هستند که سلام آخرین جزء واجب نماز نبوده و با احداث حدث اختیاری نیز می‌توان از نماز خارج شد دیگر نمی‌توان گفت که روایات «تحلیلها التسلیم»، المجمع علی العمل به بین اصحابک است و لذا این بیان بر اساس مبنای مختار اشکال دارد.

### بیان دوم

بیان دوم این است که گفته شود که «فَيُحْدِثُ قَبْلَ أَنْ يُسَلِّمَ» منصرف به حدث غیر اختیاری است. زیرا کسی که از روی اختیار حدث از او صادر شده، این کار را انجام داده تا از نماز خارج شود و دلیلی ندارد که سلام بدهد. از ابوحنیفه نیز نقل شده که احداث حدث غیر اختیاری مبطل نماز است، توجیه این مطلب نیز این است که کسی که بی اختیار حدث از او خارج می‌شود قصد مخرجیت ندارد اما کسی که اختیاری احداث حدث می‌کند با این احداث حدث قصد خروج از نماز را دارد. لااقل شبهه این انصراف وجود دارد ولو به این دلیل که احتمال می‌دهیم که ارتکاز متشرعه در آن زمان، این بوده که قبل از سلام، احداث حدث اختیاری نشود.

با این بیان احداث حدث غیر اختیاری قبل از سلام مشمول قاعده «السنة لا تنقض الفریضة» می‌شود و لو به برکت تطبیق امام ع که در روایت دیگری فرموده »التشهد سنة[[9]](#footnote-10)» حال گفته می‌شود «السلام سنة»[[10]](#footnote-11). بنابراین در مورد احداث حدث غیر اختیاری قبل از سلام می‌توان ملتزم شد که «السنة لا تنقض الفریضة» و سلام ترک شده عن عذر است و این مطلب منافات ندارد که در حال اختیار باید با سلام از نماز خارج شد. این توجیهی است که به نظر ما می‌رسد.

### بیان سوم

بیان سومی که ممکن است مورد قبول برخی باشد این است که گفته شود «فیحدث» نسبت به اختیاری و غیر اختیاری اطلاق دارد. احداث حدث غیر اختیاری با «تحلیلها التسلیم» تنافی ندارد اما اختیاری تنافی دارد زیرا اگر بنا باشد احداث حدث اختیاری نیز محلل نماز باشد با «تحلیلها التسلیم» که می‌گوید تنها محلل سلام است تنافی دارد و گفته می‌شود که روایات «تحلیلها التسلیم» اخص مطق از این روایت شده و فرض حدث اختیاری را از اطلاق «فیحدث» خارج می‌کند. در نتیجه این روایت مختص حدث غیر اختیاری شده که آن هم مشمول «السنة لا تنقض الفریضة» می‌شود.

### بررسی شواهد انصراف سلام به سلام اخیر

آقای خویی اینگونه توجیه کرده بودند که با توجه به اینکه سلام به سلام اخیر انصراف دارد پس «احدث قبل ان یسلم» به این معنا است که بعد تشهد «السلام علینا و علی عبادالله الصالحین» را گفته و قبل از «السلام علیکم» محدث شده است. ایشان برای ادعای انصراف خود شواهدی را بیان کرده اند[[11]](#footnote-12).

#### شاهد اول

شاهد اول ایشان موثقه ابی بصیر است: « مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ قَالَ: إِذَا نَسِيَ الرَّجُلُ أَنْ يُسَلِّمَ فَإِذَا وَلَّى وَجْهَهُ عَنِ الْقِبْلَةِ وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ- فَقَدْ فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ»[[12]](#footnote-13). تقابل بین «نَسِيَ الرَّجُلُ أَنْ يُسَلِّمَ» و « فَإِذَا وَلَّى وَجْهَهُ عَنِ الْقِبْلَةِ وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْنَا» در این روایت نشان می‌دهد که «یسلم» شامل «السلام علینا» نمی‌شود و مراد «السلام علیکم» است.

این شاهد صحیح نیست زیرا در روایت فرض شده که فراموش کرده سلام بدهد ممکن است هر دو سلام را فراموش کرده باشد و امام ع در ادامه می‌فرماید که اگر روی خود را یک مقدار از قبله برگرداند، «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» بگوید، جبران سلام فراموش شده می‌شود. لازم نیست که اتیان منافی کرده باشد تا نسیان صادق باشد بلکه همین مقدار که از محل معتادش گذشته باشد کافی است ولو موقعی یادش آمده که امکان تدارک وجود دارد. در عروه نیز اینطور فرموده: «فاذا نسی السلام فتذکر قبل اتیان المنافی تدارک السلام»[[13]](#footnote-14). مراد از حدیث نیز این است که اگر از محل معمول سلام گذشته و آن را فراموش کند و زمانی ملتفت شود که اتیان منافی نکرده و قابل تدارک است در اینجا حضرت ع می‌فرمایند که «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» بگوید از نماز فارغ می‌شود و لازم نیست هر دو سلام را بگوید و تقید به مستحبات داشته باشد.

### شاهد دوم

شاهد دوم موثقه ابی بصیر است که تشهد طویل را بیان می‌کند: «......ثُمَّ قُلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ لَا نَبِيَّ بَعْدَهُ وَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ ثُمَّ تُسَلِّمُ»[[14]](#footnote-15). در اینجا نیز بین «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» و «تسلم» تقابل وجود دارد و در نتیجه سلام انصراف به «السلام علیکم» دارد.

پاسخ این است که در این روایت بر اینکه «تسلم» به معنای «السلام علیکم» است قرینه وجود دارد اما اینکه گفته شود که در موثقه زراره نیز فرض شده که السلام علینا را قبل از سلام اخیر گفته است وجهی ندارد با توجه به اینکه در مرتکز شیعه «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» مخرج از نماز است و در روایت نیز بیان شده: «وَ إِنْ قُلْتَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ- فَقَدِ انْصَرَفْتَ»[[15]](#footnote-16). اگر هم ایشان قائل هستند که سلام انصراف به سلام اخیر دارد به قول آقای حکیم در «تحلیلها التسلیم» نیز باید بگویند انصراف دارد که در نتیجه «تحلیلها التسلیم» و «فَيُحْدِثُ قَبْلَ أَنْ يُسَلِّمَ قَالَ تَمَّتْ صَلَاتُهُ» تنافی پیدا می‌کنند و اگر انصراف ندارد در هر دو انصراف نباید داشته باشد و آقای خویی نیز انصراف در «تحلیلها التسلیم» را نمی پذیرند.

### شاهد سوم

شاهد سوم آقای خویی این است که از روایات استفاده می‌شود که بین عامه این مطرح بوده که «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» از توابع تشهد است. در مرسله جزمیه شیخ صدوق که در وسایل الشیعة از من لا یحضره الفقیه نقل می‌کند آمده: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ ع أَفْسَدَ ابْنُ مَسْعُودٍ عَلَى النَّاسِ صَلَاتَهُمْ بِشَيْئَيْنِ بِقَوْلِهِ تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ وَ تَعَالَى جَدُّكَ وَ هَذَا شَيْ‏ءٌ قَالَتْهُ الْجِنُّ بِجَهَالَةٍ فَحَكَى اللَّهُ عَنْهَا وَ بِقَوْلِهِ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» يَعْنِي فِي التَّشَهُّدِ الْأَوَّل‏[[16]](#footnote-17). امام ع می‌فرمایند که ابن مسعود نماز مردم را با دو چیز باطل کرد. اول اینکه گفت در نماز مثلا در ذکر یا در قنوت بگویید: «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ وَ تَعَالَى جَدُّكَ» و این کلامی است که جن گفتند اما شما نباید بگویید و نماز را باطل می‌کند. البته در نهج البلاغه در یک مورد «تعالی جد ربنا» دارد[[17]](#footnote-18). مفسد دومی که ابن مسعود ایجاد کرد این بود که گفت در تشهد رکعت دوم «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» بگویید و عامه این را جزء تشهد می‌دانند.[[18]](#footnote-19)

این شاهد نیز صحیح نیست. عامه «السلام علینا» را جزء تشهد می‌داند و تشهد عامه نوعا سلام است. اما زمانی که امام ع اصرار دارند که اگر در تشهد اول «السلام علینا» گفته شود نماز باطل می‌شود، دیگر در عرف شیعه «السلام علینا» از توابع تشهد نیست. اگر از توابع تشهد باشد چرا در تشهد اول نمی‌توان آن را گفت؟

بنابراین شواهدی که برای انصراف سلام در روایات به سلام اخیر ارائه شد تمام نیست.

### بررسی کلام آقای حائری در جمع بین روایات

آقای حائری دو توجیه برای جمع بین روایات بیان فرموده اند[[19]](#footnote-20).

### بیان اول

بیان اول اینکه سلام جزء نماز نیست و شرط بوده، واجب غیری است و نه ضمنی. با این بیان اختلاف بین روایات حل می‌شود. اگر می خواهید منافیات نماز حلال شود باید شرط اخیر که سلام است را بگویید اما اگر قبل از سلام حدث غیر اختیاری صادر شد این حدث در اثنای نماز نیست زیرا آخرین جزء نماز تشهد بوده و اجزای نماز تمام شده است. طبق روایات اگر بعد از فراغ از آخرین جز احداث حدث غیر اختیاری شده باشد، اشکالی ندارد و شرطش معفو است. اما احداث حدث اختیاری منافات با تحلیلها التسلیم دارد زیرا طبق این روایات برای جواز ارتکاب محرمات نماز باید سلام داد. اگر هم اشکال شود که «فَإِنَّ آخِرَ الصَّلَاةِ التَّسْلِيمُ»[[20]](#footnote-21) منافات با این بیان دارد زیرا ظهور روایت در این است که آخرین جزء نماز تسلیم است. ایشان پاسخ می‌دهد که فی حد نفسه این ظهور را قبول داریم اما در مقام جمع عرفی، عرف می پذیرد که بر شرط اخیر ولو جزء اخیر هم نیست، اطلاق آخر الصلاة بشود زیرا آخرین چیزی که باید آورده ‌شود سلام است و در اینجا عرف تسامحا آخر الصلاة می‌گوید.

### اشکال

بیان اول ایشان صحیح نیست. ظاهر «تحلیلها التسلیم» تحلیل وضعی است و نه تکلیفی؛ چون با شروع در گفتن تکبیر، استدبار قبله حرام وضعی می‌شود نه حرام تکلیفی و همچنین در نماز های مستحب باطل کردن نماز، حرام تکلیفی نیست بلکه تا سلام ندهد نماز همچنان باقی است و این امور مبطل نماز هستند. حمل این مطلب بر این که سلام جزء اخیر نماز نبوده و شرط و مقدمه صحت تشهد است، صحیح نیست. طبق بیان ایشان سلام مانند وضو خواهد بود. وضو شرط متقدم است ولی هنوز منافیات نماز حرام نیست و سلام شرط متأخر است یعنی بعد از سلام کشف می‌شود که با تشهد از نماز خارج شده است که در اینجا این نکته مطرح می‌شود که اگر با تشهد از نماز خارج شویم دلیلی وجود ندارد که بعد از آن محرمات نماز به حرمت وضعی باقی باشد و باقی بودن محرمات نماز به حرمت وضعی یعنی هنوز آخرین جزء آن را نیاورده ایم.

### بیان دوم

آقای حائری در بیان دوم فرموده اند می پذیریم که آخرین جزء نماز، سلام باشد و این روایات می‌گوید که احداث حدث غیر اختیاری قبل از سلام، مبطل نیست که این نیز قابل پذیرش است. طبق «السنة لا تنقض الفریضه» می‌توان گفت که سلام که سنت است اخلال به آن در این حال، مبطل نماز نیست و در این زمان، مسقط تکلیف شخص نمازی است که آخرین جزء آن، تشهد است و دیگر نیازی به سلام دادن نیست.

بیان دوم ایشان همان بیانی است که سابقا مطرح شد که حدث را حمل بر حدث غیر اختیاری کرده و بگوییم که علی القاعده، حدث غیر اختیاری قبل از سلام، مبطل نماز نیست. در نتیجه روایت حسن بن جهم[[21]](#footnote-22) که بیان کرده بود که اگر حدث قبل از تشهد نماز باطل است خلاف قاعده می‌شود زیرا در اینجا نیز تشهد سنت بوده و «السنة لا تنقض الفریضة» جاری می‌شود. البته ما به دلیل وجود عباد بن سلیمان در سند این روایت اشکال داریم. این بیان در فرضی صحیح است که «السنة لا تنقض الفریضة» شامل اخلال غیر اختیاری به سنن نماز بشود و اگر هم این مطلب مورد پذیرش واقع نشود و استظهار کنیم که «السنة لاتنقض الفریضة» مختص به خلل سهوی یا جهلی است -که ما قائل هستیم-؛ باید گفته شود که طبق این روایت خلل اضطراری و احداث حدث اضطراری قبل از سلام نماز را باطل نمی‌کند.

در هر صورت مطالبی که ایشان در بیان دوم فرمودند فرع بر این است که انصراف حدث به حدث غیر اختیاری را بپذیرند و ایشان در مورد این مطلب بحثی انجام نداده اند.

و الحمد لله رب العالمین.

1. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 7: 404 [↑](#footnote-ref-2)
2. وسائل الشیعة 6: 424. [↑](#footnote-ref-3)
3. موسوعة الامام الخوئی 15: 306؛ و أمّا الصدر الظاهر في عدم وجوب السلام، فلا بدّ من حمله على إرادة السلام الأخير كما يقتضيه إطلاق التسليم على ما عرفت. و أمّا قول: السلام علينا و على عباد اللّٰه الصالحين، فقد كان قد أتى به و الحدث وقع بعد الفراغ منه، فلا يدل على عدم وجوب السلام أصلاً [↑](#footnote-ref-4)
4. ما همانطور که شهید صدر به این مطلب اشاره دارد، از دلیل طرح خبر مخالف کتاب به خبر ظنی که مخالف کتاب یا مخالف خبر قطعی الصدور و الجهه باشد تعدی کردیم. [↑](#footnote-ref-5)
5. مستمسک العروة الوثقی 6: 459. [↑](#footnote-ref-6)
6. وسائل الشیعة 27: 106. [↑](#footnote-ref-7)
7. تهذیب الاحکام 2: 159، الاستبصار 1: 345. [↑](#footnote-ref-8)
8. المقنعة 139. [↑](#footnote-ref-9)
9. وسائل الشیعة 6: 412؛ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى الْفَرِيضَةَ فَلَمَّا فَرَغَ وَ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السَّجْدَةِ الثَّانِيَةِ مِنَ الرَّكْعَةِ الرَّابِعَةِ أَحْدَثَ فَقَالَ أَمَّا صَلَاتُهُ فَقَدْ مَضَتْ وَ بَقِيَ التَّشَهُّدُ وَ إِنَّمَا التَّشَهُّدُ سُنَّةٌ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَتَوَضَّأْ وَ لْيَعُدْ إِلَى مَجْلِسِهِ أَوْ مَكَانٍ نَظِيفٍ فَيَتَشَهَّد [↑](#footnote-ref-10)
10. البته نسبت به تشهد با توجه به اینکه در روایت دیگری آمده است که اگر قبل از تشهد حدث صادر شود »فلیعد» تعارض می‌کند که فعلا محل بحث نیست. [↑](#footnote-ref-11)
11. موسوعة الامام الخوئي 15: 303؛ ثمّ‌ لا يخفى أنّ‌ المستفاد من الموثقة أنّ‌ التسليم بقول مطلق منصرف إلى خصوص السلام الأخير، لأنّه مع فرضه (عليه السلام) نسيان التسليم ذكر أنّه إذا كان قال: السلام علينا... إلى آخره، فلا بدّ و أن يكون المراد من السلام المنسي هو قولنا: السلام عليكم و رحمة اللّٰه و بركاته. بل يظهر من بعض الروايات أنّ‌ العامّة يعدّون قول الرجل: السلام علينا و على عباد اللّٰه الصالحين من توابع التشهّد، فقد روى الصدوق عن الصادق (عليه السلام) أنّه «قال: أفسد ابن مسعود على الناس صلاتهم بشيئين بقوله: تبارك اسم ربّك و تعالى جدّك، و هذا شيء قالته الجن بجهالة فحكى اللّٰه عنها و بقوله: السلام علينا و على عباد اللّٰه الصالحين، يعني في التشهّد الأوّل» ، بل ظاهر كثير من نصوصنا أيضاً هو ذلك، و أيضاً ظاهر موثقته السابقة المفصّلة حيث قال (عليه السلام) فيها «ثمّ‌ تسلّم» أنّ‌ المراد منه هو السلام الأخير فلاحظ. [↑](#footnote-ref-12)
12. وسائل الشيعة ‏6: 423. [↑](#footnote-ref-13)
13. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 7: 404؛ فلو سها عنه و تذكّر بعد إتيان شيء من المنافيات عمداً و سهواً أو بعد فوات الموالاة، لا يجب تداركه ؛ نعم، عليه سجدتا السهو للنقصان بتركه؛ و إن تذكّر قبل ذلك أتى به و لا شيء عليه [↑](#footnote-ref-14)
14. وسائل الشیعة 6: 394 [↑](#footnote-ref-15)
15. وسائل الشيعة ‏6: 426. [↑](#footnote-ref-16)
16. وسائل الشیعه 6: 410. [↑](#footnote-ref-17)
17. نهج البلاغه 283؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ حَمْدُهُ وَ الْغَالِبِ جُنْدُهُ وَ الْمُتَعَالِي جَدُّهُ أَحْمَدُهُ عَلَى نِعَمِهِ التُّؤَامِ وَ آلَائِه‏. [↑](#footnote-ref-18)
18. موسوعة الامام الخویی 15: 303. [↑](#footnote-ref-19)
19. الصلوة (حائری) 278 [↑](#footnote-ref-20)
20. وسائل الشیعة 6: 416. [↑](#footnote-ref-21)
21. وسائل الشیعه 7: 334؛ وَ عَنْهُ عَنْ عَبَّادِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: سَأَلْتُهُ يَعْنِي أَبَا الْحَسَنِ ع عَنْ رَجُلٍ صَلَّى الظُّهْرَ أَوِ الْعَصْرَ فَأَحْدَثَ حِينَ جَلَسَ فِي الرَّابِعَةِ قَالَ إِنْ كَانَ قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَ‏ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ ص فَلَا يُعِدْ وَ إِنْ كَانَ لَمْ يَتَشَهَّدْ قَبْلَ أَنْ يُحْدِثَ فَلْيُعِدْ. [↑](#footnote-ref-22)